

کالای خارجی دشمن اصلی ما ایرانیان است

منوچهر تقوی بیات

از آن زمانی که رضا خان و پس از او پسرش با فروش نفت و دیگر دارایی های کشورما، ایران را به مصرف کننده ی کالاهای خارجی مبدل ساختند اقتصاد ملی و شیوه ی اندیشیدن ملی را نابود کردند. کودتای ۲۸ مرداد (امرداد) را انگلیس و آمریکا و آخوندها و ارتشی ها برای آن به وجود آوردند که می دانستند که دکتر مصدق در راه اصلاح اقتصاد ملی و تولید ملی است.

در این دوران تحریم، کشور ما که مرغ تولید نمی کند هرچه قدر هم پول داشته باشد مردمش نمی توانند مرغ بخورند مگر آن که خودشان به تولید مرغ کمک کنند. از سوی دیگر، حکومت چون دلال و وارد کننده است به سودش نیست تا به تولید داخلی کمک کند. مردمی که در تولید ملی شرکت ندارند و درآمدهای آن با رونق اقتصاد مصرفی بیشتر می شود بر ضد اقتصاد تولیدی و بر ضد اقتصاد ملی عمل می کنند. کسانی که به مصرف بی رویه ی کالاهای وارداتی عادت کرده اند و بازرگانانی که سودشان از واردات به دست می آید همه دشمن اقتصاد ملی و حکومت ملی هستند.

واژه ی ملی از ملت در زبان تازی گرفته شده است و ملت به معنای آیین و کیش و دین است، اما در زبان امروزی ما پارسی زبانان ملت به گروهی از مردم گفته می شود که بر خاک معینی زندگی می کنند و تابع قدرت یک حکومت می باشند. اما حکومت ملی یعنی حکومتی که مردم یک کشور آن را با رأی آزاد خود انتخاب می کنند. روشن است که این مردم باید خانه ی مشترک خود را دوست داشته و یا بهتر بگوییم ملی بیاندیشند و در آبادانی و بهبود مرز و بوم خود بکوشند. آبادانی و رونق این خانه یا سرزمین اقتصاد نامیده می شود.

اقتصاد یا اکونومی از واژه ی اُکونوموس یونانی می آید. اُکونوموس (οἰκονόμος) یعنی کسی که خانه را اداره می کند. اُکُوس (οἶκος) یعنی خانه و نِمُو (νέμω) یعنی اداره کردن یا پخش و توزیع کردن. می دانیم که هیچ خانه ای بدون اقتصاد اداره نمی شود. زیربنای همه ی روابط و ساختارهای اجتماعی و سیاسی در یک کشور

اقتصاد است.

خانه یا کشوری که اقتصاد نداشته باشد رو به ویرانی و نابودی می رود. درآمد و هزینه های کشور از تولید فراهم می شود. اگر تولید و درآمد نباشد هزینه های بی رویه همه ی منابع یک کشور را از بین می برد. کسانی که در تولید و آبادانی خانه یا کشور خود شرکت نمی کنند علاقه ای نیز به بهبود یا رونق آن ندارند. اقتصاد ملی و اندیشه ی ملی، از تولید ملی پدید می آید. کسی که از دسترنج خود خانه ای را بنا نکرده باشد برای نگهداری و رونق آن هم نخواهد کوشید. پس علاقه به فرهنگ ملی و یادگارهای ملی و خانه ی آبا و اجدادی از تولید ملی رونق و نیرو می گیرد. اگر تولید ملی نباشد علائق ملی و اندیشه ی ملی نیز به وجود نخواهد آمد.

فروختن نفت و دارایی های ملی و خریدن کالاهای خارجی و مونتاژ آنها، بدون تولید ملی مانند آن است که فرزندی دارایی های خانه ی مادری خود را بفروشد و اتومبیل و لباس های رنگارنگ بخرد، این دارایی ها پایان می پذیرد و فرزند تنبل و بی کار به بدبختی و بی خانمانی دچار می شود. جنس خارجی یعنی از دست دادن دارایی ملی.

میهن ما و هم میهنان ما از کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی دچار اقتصاد مصرف شده اند. دولت های دست نشانده با فروش نفت و خرید کالاهای وارداتی روز به روز تولید و اقتصاد ملی ما را نابود ساخته و به زرق و برق زندگی تجملی و مصرفی مدرن افزوده اند. بدتر آن که با وارد کردن مواد غذایی و دیگر تولیدات کشاورزی مانند گندم و گوشت و پشم و پنبه و چوب و ابزارها و ماشین های ساخته شده، کشاورزی و تولید های کوچک از بین رفته و کشاورزان و صنعت گران کوچک، از کار بیکار شدند و برانبوه شهرنشینان سربار و غیرتولید کننده افزوده گردید. آن شهر نشینی که تولید کننده نباشد بلکه مصرف کننده باشد همیشه منفعتش در مصرف است و به اقتصاد مصرف یاری می رساند و اقتصاد مصرف یعنی نابودی تولید و اقتصاد ملی کشور.

آن کسی که ایرانی است باید به تولید ملی بیندیشد نه مانند امروز به مصرف کالاهای خارجی مانند کالاهای چین یا روس یا انگلیس و یا فرانسه و یا آمریکا. در شرائط امروز اگر یک دولت ملی هم سرکار بیاید، بدون کودتای خارجی ها به دلیل عدم امکانات ملی محکوم به سقوط و نابودی است. مردمی که در تولید ملی شرکت نکرده اند و اندیشه ی ملی ندارند حتا ملی بودن را بر نمی تابند و به ملی ها و

مليون ، می گویند " ملی گرا " . گراییدن و گرایش داشتن به معنای تمایل و کشش داشتن است. به یک ایرانی نمی توان ایرانی گرا یا ملی گرا گفت. یک ایرانی که در اندیشه ی تولید نیست و به مصرف جنس خارجی گرایش دارد مصرف گرا است.

در ایران اسلامی امروز، ما بیش از هفتاد میلیون مردمی داریم که چشم به واردات گندم و گوشت و مرغ و لبنیات و نیز پلاستیک و پارچه و تلفن و تلویزیون و ماشین های گوناگون دارند . پرسش این است که در مقابل این هفتاد میلیون طرفداران واردات کالای خارجی چند نفر تولید کننده یا طرفدار تولید ملی در ایران هست؟ امروز در ایران با یک اقتصاد سراپا وابسته به خارج، یک اقتصاد ملی و داخلی، محکوم به نابودی است.

از آن زمانی که رضا خان و پس از او پسرش با فروش نفت و دیگر دارایی های کشورما، ایران را به مصرف کننده ی کالاهای خارجی مبدل ساختند اقتصاد ملی و شیوه ی اندیشیدن ملی را نابود کردند. کودتای ۲۸ مرداد (امرداد) را انگلیس و آمریکا و آخوندها و ارتشی ها برای آن به وجود آوردند که می دانستند که دکتر مصدق در راه اصلاح اقتصاد ملی و تولید ملی است. اگر در ایران دوران پهلوی ها، تولید ملی رونق داشت و صنایع ایران و بانک های ایران ملی بودند و سندیکاهای ملی و مردمی وجود داشت خود مردم و کارگران و سرمایه داران ملی در برابر کودتای خارجی قد علم کرده و مقاومت می کردند. تا آن دوران، نه تولید زیربنایی و ملی ، نه صنایع ملی ، نه کارگر تولیدکننده ی ملی نه نماینده ی مجلس ملی ، نه ارتش ملی پدید نیامده بود تا مصدق بتواند از این ابزارها به نفع مردم استفاده کند. ما هرچه داشتیم با اقتصاد وارداتی و وابسته به خارج گره خورده بود. با حکومت اسلامی این بدبختی صد چندان شده است و آخوندها چوب حراج به جان مردم و دارایی های ملی ما زده اند.

امروز اقتصاد ملی و فرهنگ ملی ما و حتا ادبیات ما و فردوسی و حافظ ما مورد هجوم اقتصاد وابسته و سرمایه داری خارجی قرار دارد. ما ملی ها و مصدقی ها ضمن داشتن آبرو و پیشینه ی آبرومندانه، پایگاه اقتصادی و طبقات اجتماعی پشتیبان، نداریم. اسلام گرایان و چپ گرایان خود را ملی ندانسته بلکه فراملیتی می دانند و برخی هم بدنبال جدا کردن ملت های کوچکتری از کشور ما هستند. در پناه حکومت های وابسته و دیکتاتوری و در پناه اسلام ناب محمدی، شکم های گرسنه ی محتاج به واردات خارجی و خارجی پسندها در اکثریت مطلق هستند. مردم به دنبال مصرف فراوان و بی رویه ی کالاهای خارجی

هستند. دلار و یورو و پوند عزیز تر و گرانقدر تر از ریال و تومان هستند. گندم و گوشت و برنج و بیشتر تولیدات کشاورزی از خارج می آید. آنچه در ایران تولید می شود مونتاژ و سرهم بندی شده ی کالاهای مصرفی خارجی است. حتی در شرایط تحریم های گسترده ارتش و بسیج و نیروهای بیکار داخلی حاضر نیستند به روستاها بروند و با ابزارهای ساده برای مردم غذا فراهم کرده و تولید ملی را تقویت کنند. ماشین های جوجه کشی کوچک می تواند در هر ماه برای هر خانواده ی روستایی و غیرروستایی، ده ها جوجه تولید کند. ساختن ماشین جوجه کشی و تولید جوجه از بیکاری مردم هم می کاهد. بحران گوشت و مرغ بسادگی حل شدنی است. اما دولت و رانت خواران دولتی سودشان در صادرات نفت و وابسته بودن به اقتصاد وارداتی و دلالی و معامله با خارجیان است.

استکهلم - سی ام شهریور ماه ۱۳۹۱ خورشیدی برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۲ میلادی